

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۲۸ | تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۰/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی

شماره صفحه ۵-۲۵

معنای اجتماعی جلوه بیرونی برج مسکونی واکاوی نشانه‌شناسی گفتمانی ساختمان‌های بلند مسکونی در تهران*

یاسر امیرسرداری

پژوهشگر دوره دکتری معماری، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

E-mail: yasser.amirsardari@gmail.com

منوچهر فروتن

استادیار گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: m.foroutan@iauh.ac.ir

منوچهر معظمی

استادیار گروه معماری داخلی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران

E-mail: m.moazzami@art.ac.ir

مریم محمدی

دانشیار گروه طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران

E-mail: m.mohammadi@art.ac.ir

چکیده

یکی از پدیده‌های معماری معاصر، ساختمان‌های بلند مسکونی هستند که پدیده‌ای چندجانبه بوده، می‌توانند انعکاسی از گفتمان‌های اجتماعی-فرهنگی باشند. این پژوهش در پی شناخت بخشی از معانی فرهنگی و اجتماعی از طریق انجام مصاحبه با شهروندان تهرانی به‌عنوان یکی از منابع نشانه‌شناختی است. با این هدف، با توجه شاخص‌های چندگانه در مناطق ۲۲ گانه تهران، سه گروه الف (منطقه یک، ب) مناطق دو، سه و شش، و ج) منطقه ۲۲ برای بررسی در نظر گرفته شد. این پژوهش در پارادایم شناخت‌شناسی پسا ساختارگرا با رویکرد کیفی و به روش نشانه‌شناسی گفتمانی انجام گرفته است. پژوهش به لحاظ نوع نتایج، توصیفی-تحلیلی و به لحاظ هدف، نظری است. شیوه تحلیل گفتمانی، نسبی‌گرا و با استدلال پس‌کاوی است و گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است. ساکنان، مدیریت برج‌ها، همسایگان و مشاوران املاک، گروه هدف پژوهش هستند. نتایج نشان داد که جلوه بیرونی ساختمان‌های بلند مسکونی به‌عنوان لایه مشترک میان منظر اجتماعی شهر، موقعیت اجتماعی خانواده (با محوریت تحول نقش زن در خانواده) و کالبد ساختمان است. معانی عمده به‌دست آمده از گروه اول شامل امنیت، رفاه و آزادی اجتماعی در گروه دوم دسترسی به امکانات شهری و فرصت‌های اشتغال و اجتماعی مطلوب و در گروه سوم توسعه شهری، دید مطلوب، هوا و محیط سالم بود.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌شناسی گفتمانی، ساختمان‌های بلند مسکونی، تهران، جلوه بیرونی، معنای معماری

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری یاسر امیرسرداری با عنوان «خوانش معنای ساختمان‌های بلند مسکونی؛ واکاوی نشانه‌شناسی گفتمانی جلوه بیرونی، مطالعه موردی: تهران» است که با راهنمایی دکتر منوچهر فروتن و دکتر منوچهر معظمی و مشاوره دکتر مریم محمدی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان دفاع شده است.

مقدمه

پیچیدگی محیط‌های انسان‌ساخت بیش از آن است که با تحلیل‌های کمی استاندارد قابل فهم باشد (Fisher, & Wagner, 2003). به گفته مسترز (2009) محیط‌ها از جمله محیط‌های مسکونی شامل جنبه‌های گوناگونی هستند که می‌توانند روابط مختلفی ایجاد کنند و بنابراین انواع زیادی از معانی را داشته باشند (به نقل از حسینی و همکاران، ۱۳۹۷). معنای مسکن نیز از آنجا که در تعاملی پیوسته با ساکنین است، تنها معنایی نیست که طراح در آن به ودیعه می‌گذارد، بلکه معنای خوانده شده توسط ساکنین نیز حائز اهمیت است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۷، ۸). در حال حاضر معماری ساختمان بلند مسکونی، تحت تأثیر تحلیل‌های غالباً کمی به سمت مباحث سازه‌ای، انرژی و یا فرمی سوق یافته است. حال، با این نگرانی که مبدا از جوانب معنایی و هویتی غفلت شود، مسئله این پژوهش جستجوی معنای اجتماعی این گونه معماری است. یکی از رویکردها در شناخت معماری بهره‌گیری از معناشناسی است. در پاسخ به این سؤال که هر چیزی چگونه شناخته و به آن معنا داده می‌شود؟ پاسخ صریحی وجود ندارد (نیگل، ۱۳۹۳، ۳۵) و بنابراین به روشی نیاز است که به فهم معانی که آدمیان در ضمن موقعیت‌های اجتماعی می‌آفرینند، کمک کند (گائینی و حسین‌زاده، ۱۳۹۱، ۱۱۸). تولید معنا، حاصل انواع منابع گفتمانی است (یورگنسن و فیلیپس ۱۳۹۶، ۱۸۸). مارتین (2000) معتقد است نشانه‌شناسی به دنبال کشف لایه‌های عمیق از ظهور معناست (به نقل از دباغ و مختاباد امرئی، ۱۳۹۰) و چنین نشانه‌شناسی‌ای را می‌توان نوعی نظریه خواندن تلقی کرد. مدارک بی‌شماری وجود دارند که نشانه‌شناسی می‌تواند از آنها بهره‌گیرد (کالر، ۱۳۹۰، ۲۰۶). یکی از این مدارک که می‌تواند متوجه بافت اجتماعی مورد پژوهش یعنی ساختمان‌های بلند مسکونی باشد، نسبت شهروندان با برج‌های مسکونی، یعنی ساکنان، مدیریت، همسایگان و همچنین مشاوران املاک است که مطابق نظریه لیوون به‌عنوان یکی از منابع نشانه‌شناختی (اقتدار شخصی) شناخته می‌شود. جلوه بیرونی ساختمان‌های بلند، مهم‌ترین بعد در زمینه ابعاد اجتماعی است که همانند پوشش فردی، محل تولید و دریافت معانی اجتماعی و از دید مردم، مبین موقعیت‌های فرهنگی-اجتماعی است. در این پژوهش با روش نشانه‌شناسی گفتمانی، روایتی از معنای جلوه بیرونی برج‌ها ارائه می‌شود. بر این اساس، الگویی از حوزه تحلیل گفتمان برای پرداختن به گفتمان شهروندان تبیین و تشریح می‌شود و الگوی دیگری با معرفی گفتمان‌های مکمل، در تحلیل‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش را می‌توان در حوزه‌های نشانه‌شناسی معماری و شهرسازی، معنای مسکن و ساختمان‌های بلند مسکونی، ارزیابی محیط و مطالعه تصاویر ذهنی مردم دسته‌بندی کرد. امر کیفی و ادراک شهروندان از ساختمان‌های بلندمرتبه موضوع برخی پژوهش‌های داخلی بوده است. مجموعه تحقیقات انجام شده شامل نقش ساختمان‌های بلند در منظر شهری و یا بررسی کاربری خاص ذیل مبحث پایداری و در نهایت ریخت‌شناسی ساختمان‌های بلند بوده است. در مواردی دقیق‌تر از این نمونه‌ها، به ابعاد مثبت و منفی حضور ساختمان‌های بلند در شهر و بررسی جایگاه ساختمان‌های بلند پرداخته شده است.

فروتن (۱۳۸۸) در رساله خود با عنوان «چگونگی فهم فضای معماری ایران از نگاره‌های ایرانی»، نشانه‌شناسی را یکی از روش‌های به‌کار رفته برای فهم فضای معمارانه می‌داند. دباغ (۱۳۹۱) در پژوهش‌های خود در عرصه نشانه‌شناسی معماری به نوعی از مدل‌سازی دست می‌زند تا از طریق آن به خوانشی از معماری معاصر دست یابد. محمدی (۱۳۹۲) در رساله‌اش با عنوان «تدوین اصول رمزگذاری

در منظر شهری با تأکید بر پایداری فرهنگی با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌شناسی» یکی از اهداف فرم را برخوردار از معنا می‌داند. پژوهش‌های دیگری نیز به منظور کاربردی کردن رویکرد نشانه‌شناسی در معماری انجام شده‌اند (میرشاه زاده، اسلامی و عینی‌فر، ۱۳۹۰؛ پناهی و همکاران، ۱۳۹۳؛ فروغمند اعرابی، ۱۳۹۵؛ غفاری و فلامکی، ۱۳۹۵؛ سرمستانی، فروتن و طهوری، ۱۳۹۶).

در بررسی پژوهش‌هایی که با روش مصاحبه نیمه‌ساختار یافته انجام شده‌اند، می‌توان به چشمه سهرابی و همکاران (۱۳۹۰) اشاره کرد که در این پژوهش، فرآیند کمی‌سازی کیفیت‌های شهری سنجیده شده است. پندار، ذکاوت و باقریان (۱۳۹۶) نیز سرعت تغییرات کالبدی را از نگاه کاربران مطالعه نموده‌اند. در پژوهش پرتوی و همکاران (۱۳۹۵) عوامل مرتبط با طراحی شهری با تأکید بر تاب‌آوری اجتماعی بررسی شده است. جهانگیری و همکاران (۱۳۹۵) با رویکرد پدیدارنگاری به بررسی شکل‌گیری ابعاد مفهوم دل‌بستگی مکانی در فضاهای ساحلی شهری پرداخته‌اند. رضایی و همکاران (۱۳۹۷) مسئله چگونگی و کیفیت حصول معنای محیطی را با تکیه بر دانش روان‌شناسی محیط واکاوی کرده‌اند. در نهایت، لک و جلالیان (۱۳۹۷) با کاربرد تحلیل محتوای کیفی معنای یک مکان (باغ فردوس) را بررسی نموده‌اند که تجربه‌ای از درک معنای محیط است.

جدول ۱. مرور سوابق پژوهش

ردیف	مطالعات انجام شده	محوریت تحقیق	پژوهشگران
۱	در باب معنای معماری در حوزه‌های پدیدارشناسی و روان‌شناسی	«معنای مکان» و «معنای محیط»	Canter, 1977; Tuan, 2001; Rappaport, 1982; Gustafson, 2001; Manzo, 2005
۲	عرصه نشانه‌شناسی	مکانیسم تفسیری و مشارکت مفاهیم‌های	Mustapha, 1988
		زبان بصری در حوزه ارتباطات	Tasheva, 2012
		چارچوب‌های متنی یا تحلیل فرهنگی	Kristeva, 1980; Lotman, 1990; Eco, 2002 (1976)
۳	خانه	مقیاس کلی	اقلاطینی، ۱۳۹۱
۴	خانه و مسکن	مؤلفه‌های کیفی معنا	رحمانی، ۱۳۹۴؛ حمزه‌نژاد و دشتی، ۱۳۹۵؛ اصفی و ایمانی، ۱۳۹۵
		مفاهیم زندگی در خانه ایرانی	ارژمند و خانی، ۱۳۹۱؛ اکرمی و زارع، ۱۳۹۲؛ وارمغان، ۱۳۹۳
۵	معنای خانه	از منظر نشانه‌شناختی	نجومیان، ۱۳۸۷؛ Parsaee, Parva & Karimi, 2014
۶	معنای مسکن	مدل‌یابی انتظام معنای مسکن ترکمن	نورتقانی، ۱۳۹۱
		شرایط تحقق و ارتقای معنی در مسکن حداقل	رحمانی، ۱۳۹۵
۷	ساختمان‌های بلندمسکونی	تأثیرات فرهنگی و اجتماعی	بمانیان، ۱۳۷۷
		منظر شهری	کریمی مشاور و احمدی، ۱۳۹۷
		ریخت‌شناسی	کریمی و همکاران، ۱۳۹۵
۸	محیط و مطالعه تصاویر ذهنی	ساختار، هویت و معنا-عناصر تصویرپذیر-پیش‌بینی و اشکال‌کاری	Lynch, 1960; Appleyard, 1970; Nasar, 1998; Kaplan & Kaplan, 1989
		رفتار و نحوه استفاده از فضا	Bagheri, 2014
		ترجیحات بصری با نگاه جنسیتی	شاهین راد، ۱۳۹۴
		تصویر ذهنی زنان با رویکردی تفسیری و پدیدارشناسانه	حاجی احمدی همدانی و همکاران، ۱۳۹۷

نتایج بررسی‌ها در حوزه پیشینه نشان داد که معنای ساختمان‌های بلند با استفاده از تحلیل نشانه‌شناختی دارای پیشینه اندکی است. چیزی که با توجه به سابقه پژوهش‌های انجام شده ضروری می‌نماید، یافتن ابجادی از تحلیل‌های نظری و یافتن مدل‌هایی است که بتوانند نشانه‌های «گونه معماری» پر مخاطبی چون «ساختمان‌های بلند» را ارزیابی کنند و از طریق گفتمانی و بینامتنی به خوانش معنای آن بپردازند. این پژوهش با هدف نیل به چارچوب مدون و آزمودن نمونه‌ای از نظریه‌های نو و البته مهجور در عرصه «نشانه‌شناسی معماری»، مطالعه گفتمان‌های اجتماعی و دریافت معنا‌های باز، سیال و متناظر با معماری را پیشنهاد می‌کند.

مبانی نظری

نشانه‌شناسی گفتمانی

نشانه‌شناسی یکی از روش‌های تحلیل است که در حال حاضر به مطالعات فرهنگی وابسته شده است (چندلر، ۱۳۸۷، ۳۷). نشانه‌شناسی را می‌توان نوعی نظریه خواندن تلقی کرد (کالر، ۱۳۹۰، ۱۰۱) که در مراحل آغازین آن ساختارگرا و تنها دلمشغول فرآیند نشانه‌ای تحقق یافته و تمام شده بود و صرفاً به نتیجه و محصول تمام شده فرآیند معناسازی می‌پرداخت (بابک معین، ۱۳۹۴، ۴۱). در مراحل بعدی، کنش‌ها جلوه گفتمانی پیدا کردند و به معنا و فرآیند معناسازی در قالب گفتمان پرداخته شد (Hall, 1992, 291). در زیرمجموعه پسا ساختارگرایی اگر به سامانه قاب‌های گفتمانی پرداخته شود، به جای افتادن از آن سوی بام واسازی یعنی نظر داشتن به فقدان روش و سیالیت بی‌انتهای نشانه‌ها و ناپیوستایی خالص، نتیجه به دیالکتیک بین ایستایی و ناپیوستایی منجر می‌شود (Barthes, 1977, 111). در بخشی از مباحث تحلیل گفتمان، یعنی نشانه‌شناسی اجتماعی، تلاش می‌شود مدلی برای بررسی همه نظام‌های نشانه‌ای به دست آید. هدف این نشانه‌شناسی کشف اصول مشترک پنهان شده در پس ارتباطات چندگانه است (Kress & Leeuwen, 2001, 2). کنش گفتمانه با اهداف مهمی از جمله توجه به بافت شکل گرفت. در اینجا معنانه بر اساس برنامه از پیش تعیین شده، بلکه بر اساس کارکردهای موقعیتی گفتمان شکل می‌گیرد (شعیری، ۱۳۸۸، ۳۴). معناشناسی در گستره گفتمان است و نشانه‌شناسی، به عبارت بهتر معناشناسی گفتمانی است و با رشته‌ها و رویکردهای بسیاری چون مردم‌شناسی و مطالعات فرهنگی هم‌پوشانی پیدا کرده است (ساسانی، ۱۳۹۱، ۸۵). تحلیل گفتمان می‌تواند محدود کننده (تسهیل‌بخش) فرآیند تحلیل متن باشد (Ifuersen, 2003, 60). در تحلیل گفتمان انتقادی، زبان به مثابه صورتی از کنش اجتماعی دانسته می‌شود که به دنبال نمایش تأثیر و نفوذ اجتماعی و فرهنگی است (Dijk, 2001, 352).

روان‌شناسی گفتمانی و تحلیل گفتمان با مدل وتزل و پاتر

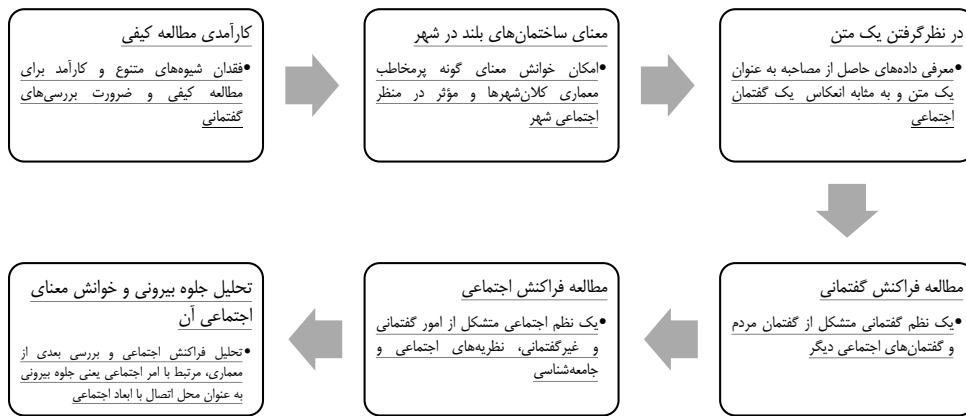
عناصر اصلی روان‌شناسی گفتمانی در مقام نظریه و روش در حوزه‌های فرهنگ و جامعه قابل تشریح است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۶، ۱۶۵). در بحث نظریه، اولین چالش در زمینه روان‌شناسی اجتماعی شناختی است. الگوهای شناختی به‌طور معمول الگوی غالب در روان‌شناسی اجتماعی هستند که عمدتاً از روش‌های آزمایشی استفاده می‌کنند و به دنبال یافتن فرآیندهای شناختی جهان‌شمول و عام هستند. اما در روان‌شناسی گفتمانی روش‌های فهم و دسته‌بندی جهان امری عام و جهان‌شمول نیست، بلکه امری تاریخی، اجتماعی و در نتیجه تصادفی است (Potter & Wetherell, 1987, 38). سیالیت گفت‌وگوها را نمی‌توان با فرایندهای شناختی و ساختارهای ثابت تطبیق داد (Edwards & Potter, 1992). از منظر روان‌شناسی گفتمانی، پدیده‌ها منفرد و متفک نیستند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۶، ۱۷۰) و مطابق با آن، زبان سازنده واقعیت ذهنی است و واقعیت‌ها ساخته گفتمان هستند (Potter et al., 1984). روان‌شناسان گفتمانی برای به‌وجود آمدن رخدادها به شرایط بیرون از گفتمان نیز اعتقاد دارند، شرایطی که در گفتمان از آنها تولید معنا می‌کنند. آنها مرزی میان فراکنش گفتمانی و غیرگفتمانی قائل نمی‌شوند و فراکنش اجتماعی را گستره درون و بیرون گفتمان می‌بینند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۶، ۱۷۵). وضوح مورد توجه در اینجا چگونگی استفاده فعالانه افراد از گفتمان‌ها به منزله منبعی برای گفت‌وگو در حین تعامل

است. بسیاری از قائلان به برساخت‌گرایی اجتماعی از جمله روان‌شناسان گفتمانی، مطالعات خود را تنها بازنمایی ممکن از جهان اجتماعی نمی‌دانند. روان‌شناسی گفتمانی با آشکارکردن این که مدعیات روان‌شناسی درباره حقیقت عام و جهان‌شمول صرفاً یکی از روایت‌های ممکن از جهان است، در برابر روان‌شناسی ایستاده است. کاربردی‌ترین مدل‌ها در روان‌شناسی گفتمانی، الگوی وترل و پاتر (۱۹۹۲) است که به عقیده ایشان نسبی‌گرایی چیزی از ارزش دانشگاهی (آکادمیک) پژوهش کم نمی‌کند و محقق می‌تواند براساس معیارهای دانشگاهی «اعتبار» پژوهش را ارزیابی کند. پاتر و وترل نکته اساسی در مدل خود را این مطلب می‌دانند که گفتمان‌ها «گنجینه‌های تفسیری» هستند که منابعی انعطاف‌پذیر در تعامل اجتماعی محسوب می‌شوند. به عبارتی هر گنجینه‌ای منابعی را فراهم می‌آورد که افراد بتوانند با آنها روایت‌هایی از واقعیت را بسازند (Wetherell & Potter, 1992, 90). پاتر و وترل، به دنبال تحلیل فراکنش‌هایی هستند که از طریق آنها بازنمایی درست یا غلط این گنجینه‌ها عیان شود. تحلیل گفتمان به خواسته‌های علمی عینیت‌گرایانه از اعتبار و پایایی تن نمی‌دهد، اما این بدان معنا نیست که معیار اعتبار به کلی کنار گذاشته شود (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۶، ۱۹۶).

مسئله خوانش معنای جلوه بیرونی ساختمان‌های بلند مسکونی و چارچوب نظری این پژوهش

موضوع مسکن صرفاً وابسته به واحد مسکونی نیست، بلکه با معنای زندگی در فعالیت‌ها، ارتباطات و در واکنش به محیط شکل می‌گیرد. تشبیه جامعه به ارگانیزم و پیچیده دانستن نیروهای اجتماعی به اندازه نیروهای طبیعی (پوردیهیمی، ۱۳۹۱، ۵۱) چنان است که پرایس (۲۰۰۰) می‌گوید: شهر در درون ساختار بسیار پیچیده‌ای رشد یافته است (پناهی و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۴). مسائل اجتماعی ساختمان بلند حداقل در دو حوزه اصلی بررسی می‌شود، مسائل درون مسکن و دیگری روابط با غیرساکنان (Gifford, 2007). بر این اساس، جلوه بیرونی و به عبارتی همه قسمت‌هایی که در معرض دید غیرساکنان است و بیرونی محسوب می‌شود، برای خوانش معنای اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. تعریف ساختمان بلند در وجه شهری می‌تواند ترکیبی از متغیرهای کمی و کیفی را شامل شود (Rahnama & Heravi Torbati, 2014). بشر همیشه در صدد ساخت ساختمان‌های بلند بوده است که دارای پیچیدگی و اقبال عمومی هستند، اما همچنان منتقدانی که جویای زندگی مطلوب هستند آنها را چالش می‌کشند (Lo et al., 2001).

ارائه خوانشی از معنای جلوه بیرونی ساختمان‌های بلند در قالب کنش‌های گفتمانی روایتی است از یک واقعیت که توجه را به امر اجتماعی و فراتر از مسائل کمی معطوف می‌کند. در ارزیابی و تحلیل‌های معماری، مردم دارای سهم مؤثری برای پژوهش هستند. با توجه به تفاوت نگاه نخبگان با مردم و از طرفی عدم امکان دریافت همه محتوای معنایی نزد مردم با روش‌های کمی، ضرورت بررسی گفتمان مردم با ارائه شیوه‌ای ذیل حوزه تحلیل گفتمان احساس می‌شود تا با انجام روشی مناسب، افق نگاه شهروندان دریافت و مسئله پژوهش در یک تعامل اجتماعی بررسی گردد. مصاحبه، تجربه اصلی این پژوهش است که حوزه‌های معنا را می‌گشاید و مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده با مشارکت در تعامل و گفت‌وگو، معنا و تجربه را می‌سازند. جلوه بیرونی ساختمان‌های بلند نیز محل هم‌آوردی این گونه معماری با منظر اجتماعی شهر و ابعاد اجتماعی جامعه است که از محل دیالکتیک بین گفتمان‌ها و نظریه‌های اجتماعی و با تفسیر مقولات حاصل از مصاحبه‌ها و تطبیق با واقعیت‌ها و رخداد‌های در صحنه و بعد معماری، خوانشی از معنای آن پیدا می‌شود. ترتیب ملاحظات در چارچوب نظری پژوهش در شکل ۱ آمده است.



شکل ۱. چهارچوب نظری پژوهش

معنای اجتماعی جلوه بیرونی ساختمان‌های بلند مسکونی با بررسی و ملاحظه پیشینه مطالعات به این صورت طرح می‌شود: (۱) نگاه اجتماعی به خانه؛ (۲) معنای اجتماعی معماری؛ (۳) معنای ساختمان بلند؛ (۴) جلوه بیرونی به‌عنوان معنای اجتماعی و فضایی خانه در نسبت با روابط برون‌خانوادگی؛ (۵) گونه‌بندی خانه و ساختمان‌های بلند از منظر اجتماعی؛ (۶) مؤلفه‌های جلوه بیرونی از جمله: نما یا پوسته از دور و از دید انسانی، فضاهای مشاع، نفوذپذیری.

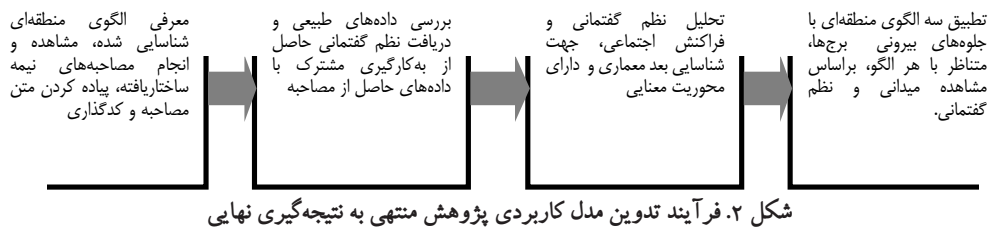
روش‌شناسی پژوهش

رد اندیشه‌های اثبات‌گرا درباره محیط اجتماعی و اعتقاد به تفسیر و تعامل اجتماعی از تأکیدات یک پژوهش کیفی است (گروت و وانگ، ۱۳۸۶، ۱۷۳). در این پژوهش، نمونه‌ای از مصاحبه‌های هدفمند، به‌جای مصاحبه‌های مبتنی بر نمونه‌گیری تصادفی انجام شده است. به عبارت دیگر تلاشی برای فهم یک پدیده معماری از نظر معانی مورد نظر مردم با تأکید بر تفسیر و نقش مهم پژوهشگر در تفسیر و فهم داده‌ها صورت گرفته است که این روش توصیف زمینه و نگاهی کل‌نگر دارد. شیوه نگارش در این نوع پژوهش، انتقادی، شخصی و غیررسمی است (Creswell, 1994, 43). رویکرد پژوهش متفاوت از نظریه‌های زمینه‌ای است که در آن شرایط طبیعی محیط است که داده‌ها را تعیین می‌کند و نیازمند عمل مشاهده، گردآوری داده‌ها و ساماندهی آنها پیش از تکوین نظریه است. این روش اکتشافی است با اتکا به داده‌های سازمان نیافته و با تمرکز بر تعداد محدود، نمونه موردی و تحلیلی مبتنی بر اهمیت معانی. روشی است متکی بر تحلیل انتقادی و موضعی بر پایه گفتمان در حوزه دنیای تجربی مردم. در این روش ذهنیت نگارنده در نسبت با مردم و در هنگام بازنمایی گفتمان ایشان شکل می‌گیرد. برای اعتبار بخشیدن به نتایج تحقیق، تلفیق رویکردهای مختلف تحلیل گفتمان و بهره‌گیری از نقاط قوت هر یک از آنها مطرح می‌شود و اولویت به «نظم» گفتمانی داده شده و تأکید شده است که هر فراکنش گفتمانی برای آنکه بتواند منظور خود را بفهماند، باید از تولیدات معنایی پیشین کمک بگیرد. با قرار دادن نظم گفتمانی به‌عنوان نقطه شروع تحلیل، محل برخورد میان گفتمان‌های موجود در آن نظم گفتمانی، به «کانون» تحلیل بدل خواهد شد. در این برخورد، پیامدهای اجتماعی آشکارتر خواهد شد (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۹۶، ۲۲۵-۲۳۸). از نظریه‌های اجتماعی برای تحلیل فراکنش اجتماعی گسترده‌ای که فراکنش گفتمانی جزئی از آن است، کمک گرفته می‌شود. از نظر فرکلاف و در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی، فراکنش گفتمانی صرفاً یکی از ابعاد امر اجتماعی است که رابطه‌ای دیالکتیکی با سایر ابعاد دارد که بر اساس منطق‌های

متفاوتی عمل می‌کنند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۶، ۲۵۲). در باب معیارهای اعتباربخشی به پژوهش در روان‌شناسی گفتمانی اجماعی وجود ندارد، اما بنا به پیشنهاد پاتر و وترل (۱۹۸۷) به دو معیار با عنوان «انسجام» و «سودمندی» اشاره می‌شود.

فرآیند پژوهش

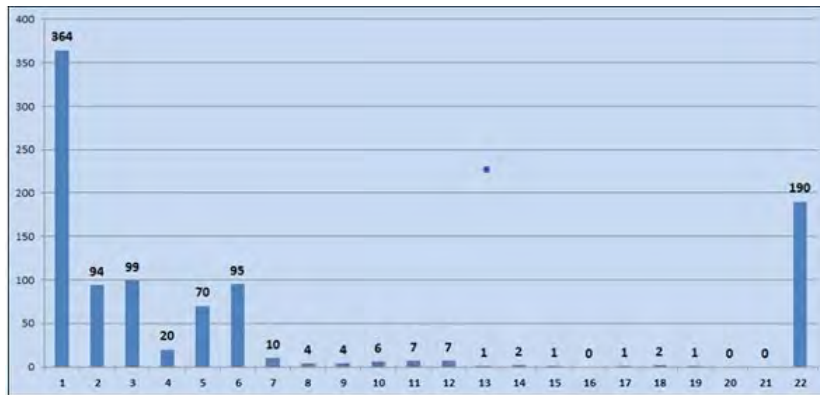
فرآیند پژوهش با الهام از پاتر و وترل (۱۹۸۷، ۱۷۵-۱۶۰) به چند قسمت تقسیم می‌شود: (۱) پرسش‌های تحقیق که به مطالعه این موضوع می‌پردازد که افراد چگونه از طریق فراکنش گفتمانی، بر ساخته‌هایی اجتماعی دارند. (۲) انتخاب نمونه؛ نمونه‌ای حاوی چند متن (تعدادی مصاحبه) که موضوع مورد توجه، کاربرد زبان است نه فرد. (۳) تولید داده‌ها از طریق مصاحبه که به صورت بدون ساختار یا نیمه‌ساختار یافته انجام می‌شود با سهم مشترک مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده در یک تعامل اجتماعی. (۴) گردآوری داده‌های طبیعی که در کنار داده‌های حاصل از مصاحبه استفاده می‌شود، داده‌هایی همچون متون علمی. (۵) پیاده‌کردن متن؛ (۶) کدگذاری؛ (۷) تحلیل که روش‌های متفاوتی برای آن وجود داشته و به چارچوب تحلیلی و روش پژوهشگر بستگی دارد. (۸) تعیین اعتبار از طریق ارزیابی اعتبار پیشنهادی در صورت لزوم، یکی انسجام و دیگری سودمندی است.



مطالعه مناطق تهران و شناسایی محدوده ساختمان‌های بلند مسکونی در تهران

سرعت رشد جمعیت شهر تهران در طول سال‌های گذشته و توسعه نایافتگی نامتناسب باعث شده یکی از ویژگی‌های بارز کلان‌شهر تهران، نابرابری فضایی و منطقه‌ای آن باشد (صادقی و زنجری، ۱۳۹۶، ۱۵۲). تهران شاهد تغییرات گسترده کالبدی در کل شهر ناشی از سیاست‌ها و اقدامات شهرداری در دوره‌های مختلف مدیریت شهری بوده است. این اقدامات سیمای شهر و کلیت آن را تغییر داده است که جلوه‌ای از این تغییر در پیدایش برج‌ها و بزرگراه‌ها مشهود است (خیرالدین، ۱۳۸۹، ۸۰). ساختار اجتماعی کلان‌شهر تهران به شدت متحول شده است و مردم با فرهنگ‌ها و سطوح درآمدی مختلف، در مناطق گوناگون سکنی گزیده‌اند. این مسئله هر چند مقوله شمال-شهر-جنوب شهر را تا حدی کمرنگ کرده است، ولی تقابلات گسترده فرهنگی و اقتصادی ناشی از به هم ریختگی بافت شهری در آن کاملاً مشهود است. شاخص‌هایی مانند آلودگی هوا، مسکن و تمرکز نهادها در تهران، فقدان دسترسی راحت به مراکز مورد نیاز از جمله شاخص‌هایی است که رفاه اجتماعی در این شهر را به چالش کشیده است. بر اساس رتبه‌بندی به روش تحلیل پوششی داده‌ها به ترتیب مناطق ۶، ۳، ۱ و ۲ بالاترین سطح رفاه شهری را به خود اختصاص داده‌اند و مناطق ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ در پایین‌ترین سطح رفاه قرار دارند (محمدزاده اصل و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۰۳). بررسی شاخص‌های کیفیت مسکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران نشان می‌دهد که مناطق ۱، ۲ و ۵ در رتبه‌های اول تا سوم از نظر شاخص‌های کیفیت مسکن قرار دارند. به‌طور کلی، بر اساس تلفیق نتایج مطالعات پیشین، مناطق ۲، ۳، ۱ و ۶ به ترتیب توسعه‌یافته‌ترین مناطق شهری تهران هستند و در مقابل مناطق ۱۹ و ۱۷ کم‌توسعه‌یافته‌ترین مناطق شهری تهران محسوب می‌شوند (صادقی و

زنجرى، ۱۳۹۶، ۱۵۹-۱۶۱). درکنار این، براساس آنچه در شکل ۳ ارائه شده، مشخص است که مناطق ۱ و ۲۲ به ترتیب دارای بالاترین آمار ساختمان‌های بلند بوده، بعد از آنها مناطق ۳، ۲ و ۶ دارای بالاترین آمارها در شهر تهران هستند.



شکل ۳. توزیع پروانه ساختمان‌های بلند در مناطق ۲۲ گانه تهران

منبع: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، ۱۳۹۷

برای شروع فرآیند پژوهش به مناطق مشخص شده مراجعه و اقدام به بررسی میدانی و شناخت موقعیت می‌شود. سپس مراحل چندگانه پیشنهادی به اجرا درمی‌آید. تأکید بر مسئله پژوهش و چارچوب نظری پیش از شروع مصاحبه‌ها الهام‌بخش پرسش‌ها است. از شیوه مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده است و برای پیش‌بینی امکان مصاحبه‌ها، تعداد محدودی مصاحبه با ماهیت کیفی و سؤالات باز با شهروندان تهرانی انجام می‌شود که با برج‌های مسکونی در ارتباط بوده، از جلوه بیرونی آنها مطلع و متأثر هستند. یعنی به مصاحبه با ساکنان، همسایگان و مدیران برج‌های مسکونی و مشاوران املاک در سه گروه: الف) منطقه ۱؛ ب) مناطق ۲، ۳، ۴، ۶ و ج) منطقه ۲۲ به لحاظ شاخص‌های برج‌سازی و فروش تراکم پرداخته شده است. پس از معرفی مختصر موضوع، در شروع گفتگو فضای کلی ذهن مصاحبه‌شوندگان رصد می‌شود و با شناسایی مقوله‌های پرتکرار حاصل از واکاوی ذهن ایشان، به استخراج توجهات اصلی ایشان در مورد برج‌های مسکونی شهر تهران پرداخته می‌شود. برای گشایش و بسط پرسش‌ها دو الگو معرفی می‌شود، این الگوها از مایکل پتن (1990) و جیمز پی. استردلی (1979) گرفته شده‌اند. در این پژوهش، طرح پرسش‌ها به الگوی پتن نزدیک‌تر است. به عبارتی بر اساس این الگو، پرسش‌هایی درباره رفتار و تجربه یا عقیده‌ها و ارزش‌ها و احساسات، پرسیده می‌شود (مدیسون، ۱۳۹۷، ۴۷-۴۸). طرح سؤالات بر مبنای چارچوب نظری و با هدف تولید یک متن به این سو می‌رود که نه فضای داخلی بلکه جلوه بیرونی برج‌ها، عرصه مشترک با اجتماع شهری است. بنابراین براساس مسئله پژوهش به طرح پرسش‌ها پرداخته می‌شود، به این ترتیب که با هدف شناخت معانی اجتماعی برج‌ها، گفتمانی شکل می‌یابد که متأثر از ابعاد اجتماعی، بعد غیرشخصی بنا یعنی جلوه بیرونی باشد.

هفت پرسش مطرح شده در این مصاحبه‌ها به شرح ذیل هستند: (۱) مهم‌ترین یا اولین ترجیح خریداران واحدهای مسکونی چیست؟ (۲) مهم‌ترین نقطه ضعف در مواجهه با یک برج از نظر خریداران چیست؟ (۳) در مورد برج‌های شناخته شده در منطقه شما، چه چیزی توجهتان را به خود جلب می‌کند؟ (۴) بهترین ویژگی جلوه بیرونی برج‌های مسکونی منطقه شما چیست؟ (۵) نماهای برج‌های مطلوب شما چه هویت و چگونه مشخصاتی دارند؟ (۶) سبک غالب و رنگ و مصالح مورد نظر طلب‌کنندگان برج نشینی در منطقه شما کدام هستند؟ و (۷) جلوه بیرونی یک ساختمان بلند مسکونی چه معنایی می‌تواند

داشته باشد؟ داده‌های متنی به صورت منظم دسته‌بندی و کدگذاری شده و شناسایی درون مایه‌ها و الگوها انجام می‌شود. به این ترتیب، محتوای مصاحبه‌ها پیاده شده و با بازیابی یادداشت‌ها و فایل‌های صوتی، درون مایه‌های اصلی شناسایی و تجزیه و تحلیل شد تا از طریق گفتگو، معانی ممکن براساس تجربه‌ها و نگاه‌های موجود مردم استخراج شود. در مرحله بعد و در تحلیل مجدد و ترکیب، مفاهیم استخراج شده به عنوان موضوعات اصلی دریافت و مشخص شد. گروه‌های مورد مصاحبه شامل مشاوران املاک، مدیریت ساختمان‌ها، همسایگان و ساکنان برج‌های مسکونی هستند که مواجهه با آنها به صورت اتفاقی صورت گرفته است، البته به گونه‌ای که توازن میان مناطق و به عبارتی سه محدوده منطقه‌ای و دو گونه ساختمان بلند (نواری و عمودی) برقرار باشد. این انتخاب و انجام مصاحبه‌ها تا اشیاع نظری پیش رفت تا در نهایت ۱۸ مشارکت‌کننده داده‌های پژوهش را به حد اشیاع رساندند. مصاحبه‌ها به صورت عمیق و با شیوه پرسش‌های باز و در مواجهه حضوری انجام شد. همچنین مصاحبه‌ها در ایام سرد و ابری و یا گرم و آفتابی و همچنین در روزهای کاری و تعطیل انجام گرفته است. هر مخاطب نخست با دو پرسش اولویت‌های انتخاب و دغدغه‌های اصلی وارد فضای مصاحبه شد و پس از دقت در مواجهه با نمونه‌های میدانی و دیدن جلوه بیرونی و نه درون ساختمان‌ها، در یک تعامل دوجانبه پرسش‌های بعدی دنبال شد. زمان مصاحبه بین ۳۰ تا ۵۰ دقیقه متغیر بوده و برخی مصاحبه‌ها با اجازه مخاطب ضبط شده است.

یافته‌های حاصل از داده‌های مصاحبه‌ها

در هنگام پیاده کردن مطالب، عناوین پرتکرار شناسایی و با مفاهیم پژوهشی تطبیق داده شد و به زبان علمی نگاشته شد. در مرحله مفهوم‌سازی دسته‌بندی صورت گرفت و در مرحله فروگاهی و مقوله‌پردازی برای هر دسته، نام و عنوانی انتخاب شد و از تطبیق مفاهیم نزدیک به هم، مفاهیم کلی‌تر و فرادستی و مقوله‌ها ایجاد شد. پس از انجام مصاحبه‌ها و پیاده کردن فایل‌های صوتی و مرتب نمودن یادداشت‌ها از مجموع گفتگوها، موضوعات ذیل استخراج شد. برخلاف مصاحبه‌های مطالعاتی که مصاحبه‌شوندگان و مصاحبه‌کنندگان کمابیش منفعل می‌مانند و به آنان فرصت شرح و تفصیل داده نمی‌شود، در رویکرد این پژوهش، افراد در مصاحبه شریک می‌شوند و گاهی مطالعه را در مسیر مورد انتخاب خودشان هدایت می‌کنند. با آنها بیشتر همانند شریک پژوهشی رفتار می‌شود تا ابژه‌های پژوهش.

جدول ۲. کدبندی و استخراج مقولات در مصاحبه با مردم

مقوله‌ها	طبقات توصیفی (مفاهیم)	کدها (موضوعات)
امنیت	قلمرو شخصی آرامش صحت خلوت و محرمت	- اطمینان از عدم تجاوز به محدوده شخصی - تجربه ایمنی در برابر سرقت از منزل به‌جای وحشت دستبرد به منزل - ایمنی در برابر حوادث غیرمترقبه. دوری از حسادت‌ها - عدم سرک کشیدن‌ها و تجسس دیگران
رفاه	تسهیلات قابلیت تنوع مدیریت	- لحاظ شدن حداکثر امکانات در محل زندگی شخصی - ظرفیت مناسب ساختمان برای ایجاد ملزومات رفاهی - انواع فرصت‌های انتخاب به گونه‌ای که همه سلیقه‌ها را پوشش دهد - کنترل منابع و امکانات به صورت حساب شده و دقیق
شان و منزلت	موقعیت درآمد تفریحات لابی و رانت طبقه اجتماعی	- محل سکونت متفاوت و فوق‌العاده - آگاهی‌های اجتماعی همسایگان - میزان ثروت و سطح درآمد - نظم و انضباط - سفرهای خارجی و خودروی لوکس - قدرت اعمال نفوذ و تصمیم‌گیری - تهرانی بودن - بالا شهری بودن - میزان تحصیلات و موقعیت اجتماعی - منزلت ذهنی - منزلت عینی

مقوله‌ها	طبقات توصیفی (مفاهیم)	کدها (موضوعات)
آزادی اجتماعی	نظارت دولت تقید و تعهد حق انتخاب قدرت و ثبات مسئولیت اجتماعی غیروابسته	- فارغ از بازخواست‌های حکومتی - عدم احساس وظیفه اجتماعی - تردد آزادانه، اختلاط و داشتن مهمانی خاص - داشتن گزینه‌های کافی - استقلال از شرایط سیاسی و اقتصادی متغیر - عدم کنترل مناسبات اجتماعی - حس متفاوت از وطن و شهر تهران - تعریف متفاوت از مسئولیت‌پذیری - مالکیت مستقل املاک
فرصت‌های کار و اشتغال	شغل خوب، تجارت عالی شغل مناسب و قانع کننده خوش اقبالی امنیت شغلی دسترسی	- دستیابی به ظرفیت‌های شغلی خوب - تطبیق ذهنیت‌های شخصی با واقعیت‌های موجود - قابلیت کشف بیشتر و عمیق‌تر فرصت‌ها - بهره‌مندی از حق مساوی در اجتماع - پایداری و تداوم - آسایش خانواده - حداقل رفت‌وآمد و اتلاف وقت
تسهیلات و امکانات شهری	حس مدیریت شهر حس شهروندی تهران عدالت شهری نفوذبذیری و شبکه انعطاف‌پذیر پیاده‌مداری	- سازگاری در تلفیق کاربری‌ها با هدف انتفاع شهروندان - هماهنگی با سیاست‌های جاری در شهر - مساوات در برخورداری از خدمات - سهولت ورود و دستیابی - سیستم‌های متنوع حمل‌ونقل - تعریف پیاده‌رو و امکان قدم زدن
توسعه آبی و سرمایه‌گذاری	تغییرات بیرونی و تأثیرات درونی سودآوری و برآورد اقتصادی فناوری جدید اعتماد پایداری سکونت تأمین آتیه	- مسائل غیرمنتظره و دغدغه مواجهه با آسیب‌های شهری - تأمین ضرورت‌های آبی با پیش‌بینی و برنامه‌ریزی و ایجاد ظرفیت - بازگشت هزینه و حفظ سرمایه - به‌روز بودن و پیشرفت‌های فنی - ریسک‌پذیری بالا - اطمینان از برنامه‌ریزی‌های دولتی - امکان بودن همیشگی و تداوم سکونت - پیش‌بینی دوران بازنستستگی - آینده فرزندان
طبیعت و هوای سالم	زمین غذای حسی ورزش و تندرستی زیبایی	- تمایزات اقلیمی و توپوگرافی در تهران - شریان‌های دسترسی باز و دل‌باز - لذت تماشای رودخانه و درک خوبی از آب - مسیرهای پیاده‌روی با حاشیه سبز و با طراوت - وسعت و گشودگی فضای باز و سبز - مصالح و رنگ‌های طبیعی
دید مطلوب و نور خوب	چشم انداز شفافیت پادمانی آسمانی	- دید وسیع به مناظر طبیعی - نور و تهویه طبیعی مشاهده طلوع و غروب خورشید - سایه و روشن‌های جذاب - رمزگویی و مهیج بودن - تناسب بصری - فراتر از شهر بر بلند

این مقولات پس از (۱) شناسایی موقعیت و انتخاب مورد؛ (۲) ارائه خلاصه بحث پژوهشی و طرح پرسش‌ها؛ (۳) برقراری رابطه دوستانه در مصاحبه؛ و در نهایت (۴) کدگذاری و پیاده‌کردن داده‌ها به دست آمد، هرچند این مراحل چندان جدای از هم نیستند. در پاسخ به نخستین پرسش مورد نظر پژوهش در مصاحبه با شهروندان که «اولویت شما برای انتخاب برج چیست؟» فرآیند استخراج مفاهیم و مقولات برآمده از این پژوهش مؤید این مطلب است که مشارکت‌کنندگان در مصاحبه دو مقوله مشترک مهم یعنی «امنیت و شأن اجتماعی» را اولین خوانش خود از برج مسکونی می‌دانند و سپس در گذر از غرب منطقه یک به سمت مناطق میانی مانند سه، دو یا شش و رسیدن به شرق منطقه بیست‌ودو، طیفی از مفاهیم را همنشین این دو مقوله اصلی برمی‌شمارند.

تشریح مقوله‌های حاصل از مفاهیم و موضوعات مصاحبه‌ها

امنیت: صاحبان خانه‌های ویلایی و یا آپارتمان‌هایی با تعداد محدود واحد، دغدغه سرقت از منزل و یا مزاحمت‌های رهگذران را دارند و صاحبان برج‌های مسکونی با داشتن مدیریت، لابی‌من تمام وقت و سامانه‌های کنترل تردها، اولین لبخند رضایت را ناشی از امنیت واحدهای مسکونی خود در یک برج می‌دانند. تعبیر شهروندان از امنیت، دو بعد مکانی و ساخت را شامل می‌شد.

آزادی اجتماعی: تظاهر به یک نوع خاص از سبک زندگی، مقوله‌ای به نام آزادی اجتماعی را در ردیف خوانش برج‌های مسکونی قرار می‌دهد. این مورد را وقتی می‌توان به‌خوبی درک نمود که بررسی‌ها با موارد خاصی از برج‌ها مواجه شد که دارای محدودیت پذیرش سطوح مختلف فرهنگی هستند. مفهومی که به معنای حذف محدودیت‌ها تلقی می‌شود.

شأن اجتماعی: همه ساکنان متوجه زندگی در کلان‌شهری به نام تهران هستند. در این میان هرکدام اصرار دارند موقعیت مکانی برج خود را دارای شأن بالای اجتماعی بدانند که در این میان این مسئله در برخی محلات تهران به نوعی تفاخر و تظاهر تبدیل شده و حتی برای برخی ساکنان اولویت نخست و خوانش نهایی‌شان از برج، موقعیت آن و به اصطلاح ایشان «لوکیشن» (موقعیت) ویژه برج است.

رضایت و رفاه: از اولین مفاهیم مورد اشاره، امکانات برج‌ها و به اصطلاح مشاوران املاک، «فول» بودن موارد است از جمله داشتن لابی‌من ۲۴ ساعته، دوربین‌ها و سامانه‌های کنترل، مدیریت توانمند، استخر و سایر امکانات ورزشی. صاحبان مشاغل مختلف در توجهات خود به امکانات یک برج متفاوت هستند.

پس از موقعیت (لوکیشن) یک برج، مسئله مهم، امکانات و شرایط ساخت است.

دید مطلوب: یکی از موارد برن‌سازی یک برج، دید و منظرهای مناسب است تا جایی که در رقابت با مواردی چون لوکس بودن، خوش ساخت بودن و امکانات برج است، اصطلاح «ویو»های عالی واحد، دید ۱۸۰ و یا حتی ۳۶۰ درجه از موارد جذاب برای ساکنان و افراد جویای واحدهای مسکونی در یک برج است.

وصال با طبیعت: طیف مشخصی از ساکنان برج‌های مسکونی را طرفداران محیط‌زیست تشکیل می‌دهند که در هوای آلوده تهران، به دنبال جایی برای در کنار طبیعت و در میان آن زیستن می‌گردند و با یافتن برج‌های مکان‌یابی شده در میان بوستان‌های خوش آب و هوای تهران و همچنین با دارا بودن محوطه باز و سبز در محدوده مشاع خود، جذب این برج‌ها می‌شوند و همه تصورات خود از یک خانه رؤیایی را در قالب برج انتخابی خود می‌یابند.

توسعه همه‌جانبه: در منطقه ۲۲ آنچه در نگاه ساکنان مشهود است، توسعه فعلی و انتظاراتها از فرآیند توسعه و نتایج آتی آن است. توسعه با چنین اهدافی مد نظر آنها است: (۱) دسترسی بیشتر به امکانات دائمی؛ (۲) بالا رفتن کیفیت سطح زندگی؛ (۳) گسترش دامنه انتخاب‌های اقتصادی و اجتماعی؛ و (۴) امید به داشتن شرایط بهتر در دوران بازنشستگی برای زوج‌های جوان ساکن در منطقه و همچنین شرایط مطلوب برای آتیه فرزندان.

کار و اشتغال مطلوب: بحث اشتغال در دنیای امروز توجه طیف غالب جامعه به خود را جلب نموده است که از جمله مهم‌ترین مباحث در جامعه شهری تهران محسوب می‌شود و تحت تأثیر شرایط گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. تلاش بخش قابل توجهی از ساکنان تهران دستیابی به شرایط بهتر و پایدار اشتغال و حفظ و ارتقای آن است.

امکانات و خدمات شهری: از مهم‌ترین پیامدهای توسعه فیزیکی در دهه‌های گذشته، یک‌دست نبودن نظام توزیع مراکز خدمات شهری بوده که زمینه‌ساز نابرابری اجتماعی شده است و در تهران این دغدغه

جدی در طی دهه‌های گذشته وجود داشته است. توزیع نامناسب خدمات باعث شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی در شهر و عرصه تضاد اجتماعی شده است.

هوای سالم: تهران به‌عنوان نماد توسعه کشور وضعیت مناسبی از لحاظ آلاینده‌های هوا ندارد. کیفیت هوا با تعریف آلودگی هوا خودش را معرفی می‌کند. بر اساس مصوبه کارگروه کاهش آلودگی هوا، فضای سبز می‌تواند تا حدودی باعث جبران نگرانی‌ها باشد. عنصری که می‌تواند موجب کاهش مصرف انرژی، کاهش هزینه‌های مصرفی و ایجاد زیبایی طبیعی و بهبود کیفیت آب‌وهوا شود. مقولات تشریح شده در جدول ۳ با مناطق مورد بررسی در شهر تهران تطبیق داده می‌شوند تا ابعاد اجتماعی هر منطقه بهتر شناخته شود.

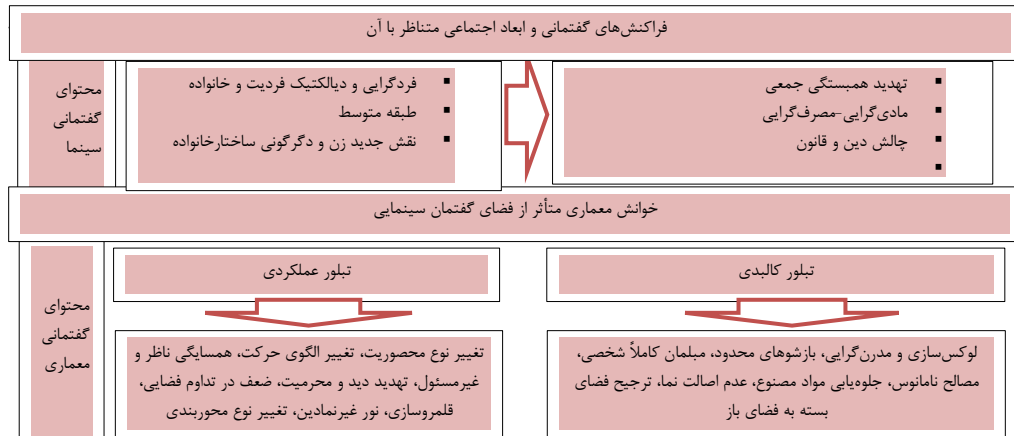
جدول ۳. تطبیق مقولات حاصل از کدگذاری‌ها با مناطق مورد بررسی در تهران

ردیف	مناطق مورد مطالعه	مقولات اصلی مرتبط با منطقه	جزئیات معرف مقوله
۱	منطقه یک (نواحی غرب منطقه)	آزادی اجتماعی	نظارت محدود، حق انتخاب بدون مانع، سلب محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها، قدرت (رهایی و آسپای)
		امنیت	خلوت تحت کنترل، قلمروی محسوس، اطمینان، صحت و تندرستی
۲	مناطق میانی (دو، سه و شش)	رفاه و رفعت اجتماعی	تمهیدات کامل، قابلیت بالا، تنوع کافی و شادکامی، تأمین و تدارک، مدیریت مؤثر در مجموعه
		امکانات و تسهیلات شهری	عدالت اجتماعی، نفوذ پذیری حس شهروند با حقوق رعایت شده، مدیریت شهری
۳	منطقه بیست و دو (نواحی شرق منطقه)	شأن و منزلت اجتماعی	موقعیت آبرومند، درآمد خوب، طبقه اجتماعی، ارتباط و نافذ بودن
		طبیعت و هوای سالم	غنای حسی، تندرستی، سلامتی و نشاط، احساس زیبایی و لذت از محیط، زمین فراخ و فضای گشوده
		دید مطلوب و نور طبیعی	چشم‌انداز خوب، شفافیت محیط
		توسعه آبی و سرمایه‌گذاری	اعتماد به شرایط، سودآوری و اطمینان از آینده

داده‌های طبیعی و اشاره به نظریه‌های اجتماعی مکمل پژوهش

داده‌های طبیعی که می‌توانند در کنار داده‌های حاصل از مصاحبه دیده شوند، مجموعه متون علمی، رسانه‌ای و... هستند که در پژوهش‌های دیگری تولید شده‌اند. از جمله این داده‌ها، بررسی گفتمان‌هایی است که به موضوع خوانش معنای ساختمان‌های بلند مسکونی در قالب‌های دیگری پرداخته‌اند. برای نمونه، پژوهشی به‌عنوان نزدیک‌ترین داده علمی برای همراهی معرفی می‌شود که در این پژوهش بر اساس مدل سه‌بعدی فرکلاف فضای گفتمانی سینمای بعد از انقلاب بررسی شده و متناظر با آن فضای گفتمانی معماری ساختمان‌های بلند مسکونی از میان مجموعه فیلم‌های منتخب، شناسایی و بر این اساس یک خوانش معنایی صورت گرفته است. در گفتمان سینما از الگوی سه بعدی تحلیل گفتمان فرکلاف استفاده شده است. در مدل «فرکلاف» در هر تحلیلی دو بعد از گفتمان از اهمیتی محوری برخوردارند که عبارت‌اند از: رخداد ارتباطی و نظم گفتمانی (یورگنسن و فیلیپس، ۱۹۹۶، ۱۱۹). همچنین سه تمرکز تحلیلی در تجزیه و تحلیل هر رخداد ارتباطی وجود دارد که عبارت‌اند از: سطح متن که نخستین تمرکز تحلیلی بر متن است؛ عمل گفتمان، یعنی تحلیل گفتمان و ژانرهایی که در تولید و مشاهده متن مفصل‌بندی شده‌اند؛ و عمل اجتماعی و فرهنگی (Fairclough, 1995, 57)، رابطه متون با عمل اجتماعی با وساطت عمل گفتمانی برقرار می‌شود. متون صرفاً از طریق فراکنش گفتمانی به وجود آمده‌اند و به وسیله کاربست اجتماعی شکل می‌گیرند. مدل سه بعدی فرکلاف ارائه چهارچوبی تحلیلی برای تحلیل گفتمان است و بر این نکته تأکید دارد که متن را نمی‌توان فارغ از بستر و زمینه آن فهمید و یا تحلیل کرد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۶، ۱۵۶).

بر اساس یافته‌های این پژوهش، تغییر در طبقه متوسط و سبک زندگی ایشان، فردیت، الگوی جدید خانواده و جنسیت زن در غلبه و مواجهه با مردسالاری همزمان می‌شود با توسعه روند اجرای پروژه ساختمان‌های بلند مسکونی. به عبارتی، روابط جدید خانوادگی در تناظر با سکونت در برج‌های مسکونی قرار می‌گیرد و حالت‌های جدید فرهنگی جامعه با معنای ساختمان بلند مسکونی قرینه‌سازی می‌شوند. این نتایج حاصل از کنش‌ها و فراکنش‌های متنی و گفتمانی است. در شکل ۴ با اشاره به فضای گفتمان تجلی یافته در فیلم‌های منتخب پژوهش، تبلورهای کالبدی و عملکردی متصور از آنها در قالب معماری، پیش‌بینی و به عبارتی خوانده می‌شود (امیرسرداری، ۱۳۹۸).



شکل ۴. هم‌آمیختگی گفتمانی: خوانش معنای معماری ساختمان بلند مسکونی به تأسی از گفتمان سینمایی

در این نمونه پژوهشی، در بررسی محتوای گفتمان سینما تلاش شده است معنای ساختمان‌های بلند دریافت شود و در نتیجه حاصل از آن، خانواده و به‌ویژه نقش زن در ایجاد ابعاد اجتماعی مناظر با برج‌ها مشاهده شده است؛ محوری که در قالب‌های عملکردی و کارکردی تبلور یافته است و تأثیر دگرگونی و تغییر دیالکتیک‌های این نهاد بر جلوه‌های معماری مؤثر واقع شده است. در دنیای امروز با وجود مخاطبان آگاه، می‌توان عصری فراتر از متن معماری را برای معماری متصور شد توأم با شناخت ارتباطات پیچیده متن با بافت که نشانه‌شناسی وارد زمان تخصص‌های چندرسانه‌ای شده باشد. در اینجا، اگر میان گفتمان این پژوهش و دریافت‌های حاصل از مصاحبه‌ها با گفتمان‌های اجتماعی دیگر که در زمینه ساختمان‌های بلند انجام شده است وفاق حاصل شود، «نظم گفتمانی» در قرارگاه‌های مشترک گفتمانی این پژوهش با گفتمان‌های دیگر در حوزه سینما، ادبیات داستانی و ... پدیدار می‌شود. براساس دو الگو و دو طرح پژوهشی انجام شده و منتشر شده (افروغ، ۱۳۹۶؛ آزاد ارمکی، ۱۳۹۴) می‌توان «تهرانی» را متصور شد که آرمان‌های آن نشانگر و تقویت‌کننده حاشیه شدن خانواده و به‌ویژه زن در جامعه مردسالار و رو به سرمایه‌داری آن باشد. در حالی که خانواده و زنان پیوسته با شهر و محیط پیرامون و تجربیات عینی مواجه‌اند. در این پژوهش با تأیید گرفتن از دو الگوی جامعه‌شناسی ذکر شده، نظم گفتمانی و کانون تحلیل گفتمانی، تقویت شده است و تلفیقی از امور گفتمانی و غیرگفتمانی و در نهایت یک برساختگرایی اجتماعی ارائه می‌شود تا بتواند روایتی از محیط عرضه کند.

بحث

در هم‌آوردی گفتمان‌های مختلف و در یک ارتباط بینامتنی و بیناگفتمانی، موقعیت اجتماعی خانواده،

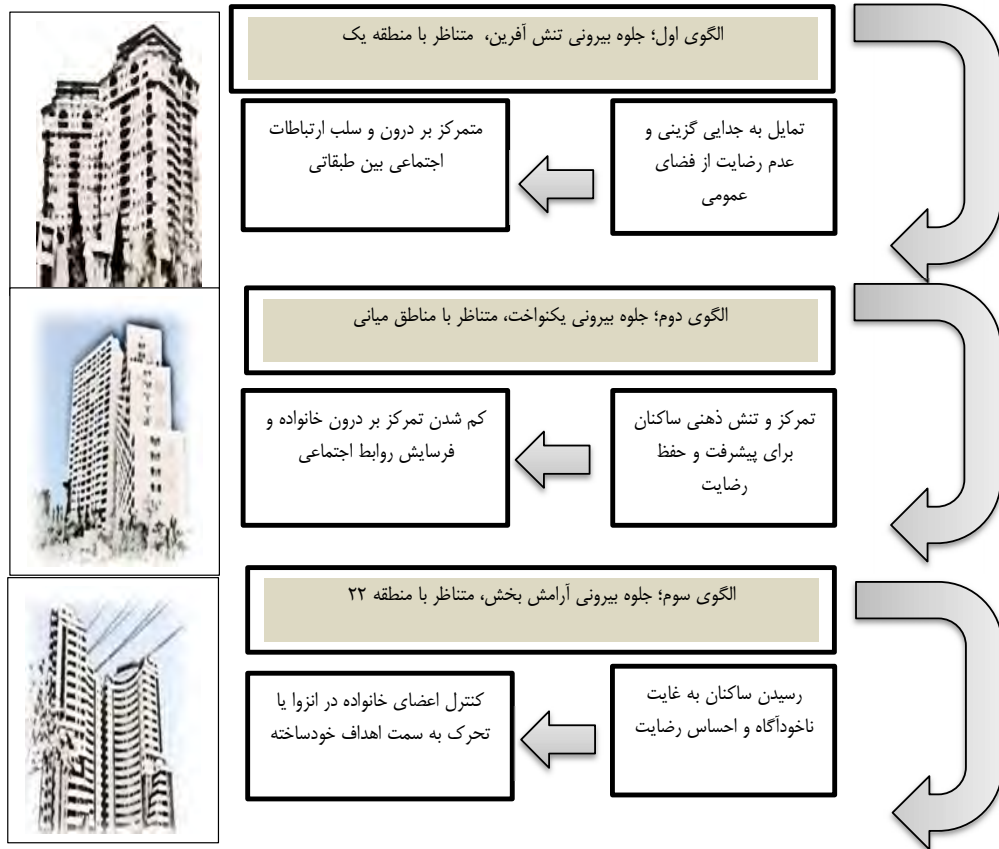
اعضای آن و ارتباطات درونی و بیرونی ایشان بستر تولید معنای ساختمان‌های بلند خواهد بود که در این بین، نقش زن به دلیل پذیرفتن و به تصویر کشیدن موج تغییرات فرهنگی و اجتماعی بیش از سایر اعضای خانواده نمایش بهتر و نقش آفرینی بیشتری برای به تصویر کشیدن معنای برج‌ها داشته است. در بیان اعتبارسنجی پژوهش اینکه در اینجا انسجام یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد و در متن، عوامل مختلفی باعث ایجاد پیوند و متنیت آن شده است. مسئله مهم در باب اهمیت متن مصاحبه‌ها این است که متن دارای هویت معنایی است و مصاحبه کننده تلاش نموده تا مخاطب، یکپارچگی ناشی از وحدت معنا را دریابد و متن، به صورت یک «واحد معنایی» باشد. در این گفتمان با اشتراک مقوله‌های «امنیت و شأن اجتماعی»، یک زنجیره انسجامی در مواجهه با مناطق دنبال شده است و همچنین با تکرار اشاره به نقش زن و نظام خانواده و زندگی، در قالب فراکنش‌های گفتمانی، یک سامانه منسجم، شناسایی و درک می‌شود. در بیان سودمندی و توان تبیینی پژوهش و ذکر نکته حائز اهمیت در طرح ساختمان‌های بلند اینکه به‌رغم چند دهه حضور ساختمان‌های بلند در ایران، این گونه مهم همچنان فاقد تعریف مشخص و چارچوب یابی علمی و منطقی است. بخش اعظم هزینه برج‌ها در ایران صرف خرید تراکم، شرایط ساخت و مسائل کمی می‌شود و به هنگام اقدام به جلوه بیرونی و عناصر آن یا سهم کمتری به این مسئله اختصاص می‌یابد و یا با نگاه تجاری و با مبنای علمی کمتر، صورت مسئله تغییر پیدا می‌کند؛ در حالی که این پژوهش با چرخش به سمت معانی فرهنگی و اجتماعی، کانون تحلیل را متوجه تعاملات اجتماعی می‌نماید.

جلوه بیرونی برج‌ها، فصل مشترک میان کنش گفتمانی شهروندان و فراکنش اجتماعی

در الگویی که به اختصار «الگوی اول» نامیده می‌شود و با منطقه یک (غرب منطقه) متناظر است، ماهیت سکونت در درون برج تعریف می‌شود. معنای اساسی زندگی ساکنان در رفاه و آزادی متصور و پنهان شکل گرفته است و «جلوه بیرونی» به عنوان لایه‌ای در تفکیک درون از بیرون در خدمت تظاهر و محل جداسازی از فضای عمومی شهر و تابلویی برای اعلام ورود ممنوع دیگران است. در این الگو با یکسان شدن تساوی نقش‌های فردی و اجتماعی زن و مرد، اعمال قدرت زنانه رنگ و بویی آشکار می‌یابد. در الگویی که به اختصار «الگوی دوم» نامیده می‌شود و متناظر با مناطق ۲، ۳ و ۶ است، تلاش مؤثر و مشهودتری برای رفاه و آزادی صورت می‌پذیرد و صرف داشتن و تظاهر به رفاه مطرح نیست، بلکه کیفیت بهره‌برداری در شبکه فعال اجتماعی شهر مطرح است. در این الگو یعنی الگوی مناطق میانی، «جلوه بیرونی» همچون پلی ارتباط درون با بیرون را تسهیل می‌کند و با نقش کمتر دیده شده و یا منفعل، امکان عبور و یا ارتباط با شهر و شهری شدن را فراهم می‌نماید. گسترش دایره اجتماعی و افق فکری در بطن شهر دیده می‌شود و در اینجا ساکنان، شهر و فرصت‌های کار و اشتغال آن را در ارتقای موقعیت خود مؤثر می‌دانند و متفاوت از ساکنان الگوی یک، «تهرانی‌تر» دیده می‌شوند. حاصل این افق دید در مناطق میانی تهران ساخت برج‌هایی است که به اتفاق، موقعیت شهری و فضای بیرون را اولویت خود دانسته‌اند و با اختصاص دادن فضای باز و عمومی کافی، برای خود بهترین شرایط دسترسی شهری را فراهم می‌نمایند.

با عبور از شرق به غرب تهران و حضور در شرق منطقه ۲۲ شهرداری تهران، در منطقه‌ای در حال توسعه، «الگوی سوم» مشاهده می‌شود که در تلاش برای تشخیص یابی است. ساکنانی که پتانسیل‌های بالقوه تهران را برای خود متصور هستند و برای رسیدن به آسایش پس از تجربه سختی‌های زندگی و اقامت قبلی در مناطق مرکزی و جنوبی تهران به تغییر شرایط امیدوار هستند. زن در این الگو ظرفیت‌های متصور

را دارد که در کنار ظرفیت‌های فعال مرد به ظهور می‌رساند و همچنان با اولویت نظام خانواده به ایفای نقش می‌پردازد و هم به فضای درون خانه و هم بیرون توجه دارد. این توجهات توأمان درون و برون در منطقه ۲۲ می‌تواند در مفصلی به نام «جلوه بیرونی» ساختمان محل سکونت مؤثر واقع شود. جلوه‌ای فعال، چندبعدی، طبیعت‌گرا و نرم. این الگو از تظاهر پرهیز دارد و به واقعیات محل زندگی توجه بیشتری نشان می‌دهد. در مجموع مردم در این الگو، اعتماد به نفس‌های متفاوتی دارند.



شکل ۵. معرفی الگوهای جلوه بیرونی منطبق با مناطق مختلف تهران

هویت چندپاره، تجربه خوانش معنای جلوه بیرونی برج‌های مسکونی تهران

ساختمان بلند، اگر هم دارای تعریف و ماهیت مشخصی باشد در بستر شهری چون تهران و کشوری مانند ایران با فرهنگ و مردمی متفاوت، با تناقض‌ها و پرسش‌هایی متفاوت از خانه ایرانی مواجهه شده است و هویت خانه ایرانی و خانواده ایرانی را به چالش کشیده است. این بازاندیشی مدرن و نگاه مجدد به پدیده مسکن در مرحله اول، همگونی و ثبات هویتی خانواده ایرانی را دستخوش تغییر نموده است. ماهیت وارداتی برج‌های مسکونی و ارزش‌های همراه آن مبتنی بر نگاه متفاوت به مسکن و محل سکونت است. این نگاه متفاوت، به هویت خانواده و زن ایرانی و طبقه متوسط سرایت کرده است و این هویت با تطبیق یافتن با ارزش‌های جدید، سعی در متعارف نمودن این پدیده نوظهور معاصر دارد. تغییر در هویت ساکنان در برج‌های مسکونی با تغییرات ساختاری در جامعه ایرانی، تغییر نقش زن و ورود به حوزه‌های عمومی جامعه و تغییر نقش مردسالارانه همراه شد. برخی مفاهیم همگام با خانه ایرانی از

خانواده ایرانی سلب شد و ساختارهای جدید به محل‌های زندگی جدید منتقل گردید. در شهر تهران، تفاوت‌ها، تغییرات و تطبیق‌ها کاملاً مشهود شد. هویت سکونت سنتی در مواجهه با هویت مدرن و متکی بر استدلال و انتفاع، مجبور به بازاندیشی‌ها و برای بقا ملزم به همنشینی شد. در پاسخ به نیازهای شهری و ضرورت‌های زندگی در کلان‌شهر تهران، برج‌نشینی و زندگی در مجموعه‌های بزرگ راه‌حلی منطقی جلوه کرد. در این میان طیف حداکثری ساکن تهران یعنی طبقه متوسط با انگیزه کار و پیشرفت توأم با زندگی و خانواده مداری در برج‌های متعدد تهران سکونت یافت. قشر مرفه و فرامتوسط تهران در حاشیه زندگی در ویلاهای بزرگ و حضور در مناطق خوش آب‌وهوای تهران، با حفظ جایگاه اجتماعی و شهری خود، گزینه سکونت در برج‌ها و نه مجتمع‌های کوتاه مرتبه را برمی‌گزیند. به این ترتیب جامعه با هویتی جدید مواجهه و در برج‌ها ساکن می‌شود. در کنار برنامه‌های توسعه‌محور و گسترش تهران در مناطقی جدید، تصویر دیگر و فرصت دیگری برای شهروندان فراهم می‌شود تا با زندگی در برج‌های متراکم و متعدد همچنان به زندگی و پیشرفت در شهر تهران امیدوار بمانند. اما آنچه حائز اهمیت است، الگویی است که بازتاب زندگی مدرن و مرفه و نیل کامل به مادیات است که در بیشتر در نمونه‌های برج‌نشینی طبقه خاص و مرفه تهران دیده می‌شود و روند برج‌سازی را وادار به تمکین و تکرار خود می‌نماید و بر جریان معماری آن سایه می‌افکند. مسیری مشخص با شخصیت‌های معین که در مقابل الگوی شکل گرفته طبقه متوسط و زندگی در مجموعه‌های مسکونی میان مرتبه قرار می‌گیرد. الگویی که در جریان انجام مصاحبه‌ها با شاخص‌هایی چون امنیت، رفاه مطلق و آزادی‌های اجتماعی تصور می‌شود. ثروت تجلی یافته در برج‌های مسکونی مناطق شمالی و شمال شرقی تهران تجربه‌ای از زندگی در تهران را رقم می‌زند که در تقابل با طبقه متوسط متمرکز در برج‌های مناطق میانی تهران است و در تجربه افراد مرفه از برج‌های مسکونی، غلبه و تأثیر آن بر خوانش معنای جلوه بیرونی در شهر تهران مشهود می‌شود. در طرح ساختمان‌های بلند به حفاظت از حریم خصوصی، تسهیل حرکت و به تبع آن آزادی ساکنان توجه می‌شود. اما مفهوم آزادی در بخش عظیمی از این تجربه به معنای حذف محدودیت‌ها تلقی می‌گردد. اماکن مورد نظر به زمینه‌هایی برای تعاملات درون طبقه تبدیل شده‌اند. در جدول ۴ گونه‌های غالب ساختمان‌های بلند مسکونی بر حسب نمونه‌ها و فراوانی‌های بیشتر در طیف مناطق معرفی می‌شوند و جلوه‌های بیرونی متناظر با هر گونه، تشریح می‌گردد.

جدول ۴. معرفی جلوه بیرونی برج‌های تهران در تیپ‌ها و مناطق چندگانه

مناطق	تیپ‌ها	مشخصات و جلوه بیرونی برج
منطقه یک	کلاسیک (غیرایرانی)	همراه نمودن جزئیات و خطوط فراوان، نمایی تنش آفرین فراهم نموده که به راحتی قابل درک و ارتباط با ناظر نیست و حس جدایی و تلقی فاصله را با خود دارد.
	(به اصطلاح) مدرن	جلوه بیرونی به صورت یکنواخت با تکرار خطوط بیننده، ناظر را با حجم کلی و ابهام مواجهه می‌کند و ارتباط را قطع و فاصله را القا می‌کند.
مناطق میانی (دو، سه و شش)	مدرنیسم	نمونه‌هایی که با لایه سبز و فضای تجاری الحاقی، خود را به دسترسی شهر متصل می‌نمایند و یا مجموعه‌هایی که نماهایی یکنواخت، بدون جزئیات و خطوط بام مسطح را تجربه نموده‌اند و شاخص‌های معماری مدرن در ایران هستند.
	شرکتی (دولتی)	نمونه‌هایی که عمدتاً بعد از انقلاب ساخته شده و با نمای یکنواخت، کمتر مشخصات الگوی مسکونی را دارند، به طوری که نه بازشو و بالکن‌های آشنای یک معماری مسکونی را دارند و نه محوطه سبز باز و تعریف شده‌ای برای حضور سالمندان و کودکان.
منطقه ۲۲	کلاسیک (ایرانی)	نمونه‌هایی که در منطقه سبز و در مجاورت رودخانه و بوستان و با دسترسی مطلوب شهری ساخته شده‌اند و با فضای سبز و محوطه باز مطابق ویژگی‌های خانه و باغ ایرانی و با استفاده از جزئیات معماری، نمایی آرامش بخش را فراهم نموده‌اند.
	انبوه‌سازی	نمونه‌هایی که دارای نماهایی یکنواخت و فاقد جزئیات معماری و تضعیف عناصر آشنای مسکونی بوده و بیشتر در جهت منافع مالی شهرداری و سازندگان هستند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف یافتن بخشی از معنای فرهنگی و اجتماعی، به مطالعه تأثیر گفتمان شهروندان بر خوانش معنای معماری با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی گفتمانی و رویکرد روان‌شناسی گفتمانی، دیدگاه شهروندان تهران را در خصوص برج‌های مسکونی مورد مطالعه قرار داد. بر این اساس با ابزارهای تحلیلی گفتمانی می‌توان خوانش معنای برج مسکونی در تهران را در یک توزیع گفتمانی و در مجموعه فراکنش‌های گفتمانی ملاحظه نمود که در کنار یکدیگر، یک نظم گفتمانی را شکل داده‌اند که در کانون آن، موقعیت اجتماعی و خانواده قرار دارد. با تحلیل این نظم، بر ساخته‌ای اجتماعی شناسایی می‌شود که پیامد تحلیل آن و تطبیق با مطالعات جامعه‌شناسی یک روش خاص و بازنمایی و روایتی از معماری را ارائه می‌دهد. با این شناخت از ابعاد امر اجتماعی محیط و تطبیق با مطالعات دیگر بر مسئله برج‌های مسکونی در تهران، معانی اجتماعی برج‌ها دارای یک طیف متغیر و البته با همپوشانی‌هایی از شرق تا غرب تهران است که بر اساس استخراج مقولات متناظر با هر منطقه می‌توان شاخص‌ها و عناوینی را به ترتیبی که در جدول ۵ آمده است برداشت نمود.

جدول ۵. متناظر شدن مناطق شهر با مقوله‌های اجتماعی، تیپ‌های ساختمانی و جلوه‌های بیرونی

منطقه	مقوله (معنا)های اجتماعی	تیپ ساختمان غالب	جلوه بیرونی
یک	امنیت، رفاه اجتماعی و آزادی اجتماعی	کلاسیک غربی، مدرن (اصطلاحی)	تنش‌آفرین
دو، سه و شش	دسترسی به امکانات شهری و فرصت‌های اشتغال و اجتماعی مطلوب	مدرنیسم، شرکتی	یکنواخت
بیست و دو	توسعه شهری، دید مطلوب، هوا و محیط سالم	کلاسیک ایرانی، مدرن (اصطلاحی)	آرامش‌بخش

با تداوم تحلیل فراکنش اجتماعی و واقعیت‌های معماری، می‌توان دو نکته مهم را نتیجه گرفت. یکی اینکه موقعیت اجتماعی خانواده در معنا بخشی به ساختمان‌های بلند مسکونی، دارای محوریت خاصی است و دیگر اینکه در خصوص جامعه و اجتماع شهری، یک فرصت مشترک معماری وجود دارد که همانا جلوه بیرونی برج است. بر اساس یافته‌های این پژوهش جلوه بیرونی ساختمان‌های بلند، مبین ترجیحات ساکنان، سبک زندگی و هویت اجتماعی ایشان است. ساختمان بلند مسکونی حوزه‌ای است که جدایی‌گزینی در آن تداوم داشته و از جمله، جلوه بیرونی برج‌ها می‌تواند ابزار این جدایی‌گزینی باشد. گروه‌بندی‌های اجتماعی نیز آثار و دلالت‌های خود را بر جلوه بیرونی دارند و اینجا قلمرویی می‌شود برای تمایز گروه‌ها. به‌واقع جلوه بیرونی اگرچه توسط فرد و ساکنان ایجاد نشده است، اما توسط ایشان و مطابق با نگاه اجتماعی آنها، انتخاب شده و تبلور نظام فرهنگی‌شان است.

از سوی دیگر جلوه بیرونی بیانگر ترجیحات احتمالی ساکنان است، به نحوی که الگویی چون الگوی کلاسیک غربی با جلوه تجملی، تداعی‌کننده رفاه و آزادی اجتماعی، الگویی چون مدرنیسم با جلوه یکنواخت، تداعی‌کننده تمایل به شهروندی و اولویت کار و اشتغال و در نهایت الگویی چون کلاسیک ایرانی با جلوه‌ای آرامش‌بخش، تداعی‌کننده ارتباطات، دید مطلوب، هوا و محیطی صمیمی است. جلوه‌های معمارانه و دارای هویت متعارف را می‌توان در نمونه‌های محدودی از برج‌های مسکونی تهران مشاهده نمود. الگوی کلاسیک ایرانی درهم آمیختگی ویژگی‌های اجتماعی و مشخصات معماری ایرانی است، درحالی‌که در غالب موارد، به‌رغم جزئیات گاه فراوان و کیفیت بالای مصالح، خوانش‌های دیگری دریافت می‌شود که با مشخصات خانه مطلوب خانواده ایرانی و تهرانی مطابقت ندارد.

فهرست منابع

- ارژمند، محمود، و خانی، سمیه (۱۳۹۱). نقش خلوت در معماری خانه ایرانی. *مطالعات شهرایرانی-اسلامی*، ۳۸، ۷-۲۷.
- ارمغان، مریم (۱۳۹۳). تأثیر تحول سبک زندگی در معماری خانه‌های معاصر. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- افروغ، عماد (۱۳۹۶). *فضا و جامعه؛ فضای شهری و نابرابری اجتماعی*. تهران: علم.
- اکرمی، غلامرضا، و زارع، فائزه (۱۳۹۲). طراحی خانه دریافت سنتی شهری. *هنرهای زیبا*، ۱۸(۲)، ۵۵-۶۸.
- امیرسرداری، یاسر (۱۳۹۸). *خوانش معنای ساختمان‌های بلند مسکونی؛ واکاوی نشانه‌شناسی گفتمانی جلوه بیرونی*. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سمت.
- آصفی، مازیار، و ایمانی، الناز (۱۳۹۵). بازتعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی-اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۴(۱۱)، ۵۸-۷۵.
- آقالطیفی، آزاده (۱۳۹۱). *الگوی تعامل انسان و خانه معاصر در ایران*. رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- بابک معین، مرتضی (۱۳۹۴). *معنا به مثابه تجربه زیسته؛ گذر از نشانه‌شناسی کلاسیک به نشانه‌شناسی با دورنمای پدیدارشناسی*. تهران: سخن.
- بمانیان، محمدرضا (۱۳۷۷). *بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ساختمان‌های بلند در ایران*. رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- پرتوی، پروین، بهزادفر، مصطفی، و شیرانی، زهرا (۱۳۹۵). طراحی شهری و تاب‌آوری اجتماعی (مطالعه موردی: محله جلفا اصفهان). *نامه معماری و شهرسازی*، ۹(۱۷)، ۹۹-۱۱۶.
- پندار، هادی، ذکاوت، کامران، و باقریان، فاطمه (۱۳۹۶). تبیین معیارهای مؤثر بر رضایتمندی ساکنین اصیل از شدت تغییرات کالبدی در محلات با سابقه روستایی. *مسکن و محیط روستا*، ۱۵۸، ۳۵-۵۰.
- پناهی، سیامک، هاشم‌پور، رحیم، و اسلامی، سیدغلامرضا (۱۳۹۳). معماری اندیشه، از ایده تا کانسپت. *هویت شهر*، ۸(۱۷)، ۲۵-۳۴.
- پناهی، سیامک، مختاباد امرئی، سید مصطفی، و نوابخش، مهرداد (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل نقش سینما در انتقاد از شهرسازی مدرن، *هویت شهر*، ۲(۲)، ۱۳-۲۶.
- پوردیهمی، شهرام (۱۳۹۱). *شهر، مسکن و مجموعه‌ها*. تهران: آرمان شهر.
- جلالیان، سارا، حبیب، فرح، و ذاکر حقیقی، کیانوش (۱۳۹۷). واکاوی نقش حصار و دروازه در امنیت بخشی به مجتمع‌های مسکونی. *آرمان شهر*، ۱۰(۲۱)، ۱۳۹-۱۴۸.
- جهانگیری، آرمان، پاکزاد، جهان‌شاه، و عندلیب، علیرضا (۱۳۹۵). فرآیند تبیین پدیدارنگاری ابعاد مفهوم دلبستگی مکان به روش استخراج معانی تصویری خودنگار. *مدیریت شهری*، ۴۷، ۲۷۷-۳۰۰.
- چشمه سهرابی، مظفر، اکبری، مریم، و افغ نیا، اعظم (۱۳۹۰). *استانداردهای طراحی در کتابخانه‌های مرکزی دانشگاهی شهر اصفهان*. *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۸۷، ۶-۲۳.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۷). *مبانی نشانه‌شناسی* (مترجم: مهدی پارسا). تهران: افست.
- حاجی احمدی همدانی، آذین، ماجدی، حمید، و جهان‌شاه‌لو، لعل (۱۳۹۷). معیارهای مؤثر بر شکل‌گیری تصویر ذهنی زنان از فضای شهری مطلوب. *مطالعات شهری*، ۷(۲۸)، ۳-۱۶.
- حسینی، علی، فروتن، منوچهر، و صالحی، سعید (۱۳۹۷). تحول معنای اجتماعی-فضایی درخانه‌های اراک. *آرمان شهر*، ۲۳، ۲۷-۳۹.
- حمزه نژاد، مهدی، و دشتی، مینا (۱۳۹۵). بررسی خانه‌های سنتی ایرانی از منظر پدیدارشناسان و سنت‌گرایان معنوی. *نقش جهان*، ۶(۲)، ۳۵-۲۴.
- خیرالدین، رضا (۱۳۸۹). تحلیل زمین مرجع اقدامات مدیریت شهری تهران. *هنرهای زیبا*، ۸۲، ۴۲-۷۱.
- دباغ، امیر مسعود، و مختاباد امرئی، سیدمصطفی (۱۳۹۰). تأویل معماری پسمادرن از منظر نشانه‌شناسی، *هویت شهر*، ۹(۹)، ۵۹-۷۲.

- دباغ، امیر مسعود (۱۳۹۱). تأثیر معماری متأخر غرب بر معماری معاصر ایران از منظر نشانه‌شناسی. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- رحمانی، سارا (۱۳۹۴). معماری و کرختی محیطی. صفه، ۲۵(۶۸)، ۱۹-۳۴.
- رضایی، حسین، کرامتی، غزال، دهباشی شریف، مزین، و نصیر سلامی، محمدرضا (۱۳۹۷). تبیین الگوواره‌ای فرآیند بودن شناختی حصول معنای محیطی و تحقق حس مکان با تمرکز بر نقش واسط ادراک. باغ نظر، ۱۵(۶۵)، ۴۹-۶۶.
- ساسانی، فرهاد (۱۳۹۱). نشانه‌شناسی مکان، (مجموعه مقالات هفتمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی). تهران: سخن.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۸). از نشانه‌شناسی ساختگرا تا نشانه-معناشناسی گفتمانی. نقد ادبی، ۲(۸)، ۳۹-۵۱.
- سرمستانی، محمد، فروتن، منوچهر، و طهوری، نیر (۱۳۹۶). آفرینش شاعرانه در فضای شهری. واکاوی نشانه‌شناختی فضای شهری باغ بلند شیراز. هویت شهر، ۳۴، ۶۷-۷۸.
- شاهین راد، مهنوش، رفیعیان، مجتبی، و پورجعفر، محمدرضا (۱۳۹۴). ترجیحات بصری زنان از فضاهای شهری تهران. علوم شناختی، ۱، ۱۰-۲۴.
- صادقی، رسول و زنجری، نسیم (۱۳۹۶). الگوی فضایی نابرابری توسعه در مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران. رفاه اجتماعی، ۱۷(۶۶)، ۱۸۴-۱۴۹.
- غفاری، علیرضا، و فلامکی، محمدمنصور (۱۳۹۵). بازتاب نظریه‌های نشانه‌شناسی در خوانش معماری و شهر. مدیریت شهری، ۴۴، ۳۲۱-۳۳۲.
- فروتن، منوچهر (۱۳۸۸). چگونگی فهم فضای معماری ایران از نگاره‌های ایرانی. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- فروغمند اعرابی، هوشنگ (۱۳۹۴). خاستگاه فلسفی روش‌شناسی در دانش نشانه‌شناسی معماری و طراحی شهری. مدیریت شهری، ۴۳، ۲۲۴-۱۹۹.
- کالر، جان‌اتان (۱۳۹۰). در جستجوی نشانه‌ها (مترجمان: لیلا صادقی و تینا امرالهی، ویرایش: فرزانه سجودی). تهران: علم.
- کریمی، مهشید، حجت، عیسی، و شهبازی چگنی، بهروز (۱۳۹۷). جستار در چگونگی پیوند ساکن و مسکن. باغ نظر، ۱۵(۶۱)، ۵-۱۶.
- کریمی مشاور، و مهرداد، احمدی، آزاده (۱۳۹۷). تحلیل رؤیت‌پذیری ساختمان‌های بلندمرتبه در منظر شهری به کمک GIS، نمونه موردی: سنندج. مطالعات شهری، ۲۶، ۳۱-۴۲.
- کریمی، فریبرز، گلابچی، محمود، حافظی، محمدرضا، و تقی‌زاده، کنایون (۱۳۹۵). نقش رویکردهای تأثیرگذار در شکل‌گیری پیکره ساختمان‌های بلند. انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۱۱، ۸۵-۱۰۰.
- گائینی، ابوالفضل، و حسین‌زاده، امیر (۱۳۹۱). پارادایم‌های سه‌گانه اثبات‌گرایی، تفسیری و هرمنوتیک در مطالعات مدیریت و سازمان. راهبرد فرهنگ، ۱۹، ۱۰۳-۱۳۸.
- گروت، لیندا، و وانگ، دیوید (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در معماری (مترجم: علیرضا عینی فر). تهران: دانشگاه تهران.
- لک، آزاده، و جلالیان، سحر (۱۳۹۷). تجربه معنای مکان فضای شهری: کاربرد تحلیل محتوای کیفی در کشف معنای باغ فردوس. مطالعات معماری ایران، ۱۳، ۷۱-۸۸.
- محمدزاده اصل، نازی، امام‌رودی، قدرت‌اله، و سریرافراز، محمد (۱۳۸۹). رتبه‌بندی شاخص‌های رفاه شهری مناطق مختلف تهران. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری (۱)، ۸۵-۱۰۶.
- محمدی، مریم (۱۳۹۲). تدوین اصول رمزگذاری در منظر شهری پایدار با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌شناسی. رساله دکتری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- مدیسون، دی سوینی (۱۳۹۷). مردم‌نگاری انتقادی (مترجم: فهیمه سادات کمالی). تهران: علمی و فرهنگی
- مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی (۱۳۹۷). آبان ۱۴. نگاهی بر بافت‌های فرسوده و ساختمان‌های بلندمرتبه و ریسک لرزه‌ای آنها. بازپایی در دی ماه ۲۰، ۱۳۹۸، از پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی: <http://news.mrud.ir/news/60765>
- میرشاهزاده، شروین، اسلامی، سید غلامرضا، و عینی فر، علیرضا (۱۳۹۰). نقش فضای مرزی-پیوندی در فرآیند آفرینش معنا. هویت شهر، ۵(۹)، ۵-۱۶.

- نجومیان، امیرعلی (۱۳۸۷). تحلیل نشانه‌شناختی خانه‌های کاشان. نامه هنر، ۱(۱)، ۱۱۱-۱۲۸.
- نورتقانی، عبدالمجید (۱۳۹۱). معنا در مسکن: مدل‌یابی انتظام معنای مسکن. رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- نیگل، تامس (۱۳۹۳). در پی معنا (مترجمان: محمد ناجی و مهدی معین زاده). تهران: هرمس.
- یورگنسن، ماریان، و فیلیپس، لوئیز (۱۳۹۶). نظریه و روش در تحلیل گفتمان (مترجم: هادی جلیلی). تهران: نی.
- Appleyard, D. (1970). Styles and methods of structuring a city. *Environment and behavior*, 2(1), 100-117.
- Bagheri, N. (2014). Mapping Women in Tehran's ogras public space. *Journal of cultural of cultural Geography*, 31(2), 166-178
- Barthes, R. (1977). *Image-music-text*, (trans. Stephen Heath). New York: Hill and Wang.
- Creswell, J. W. (1994). *Research Design: Qualitative and Quantitative Approaches*. CA: SAGE.
- Eco, Umberto. (1976). *A theory of Semiotics Bloomington*. Bloomington and London: Indiana University press.
- Edwards, D. & Potter, J. (1992). *Discursive psychology* (Vol. 8). London: Sage.
- Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis*. London: Longman
- Fisher-Gewirtzman, D., & Wagner, I. A. (2003). Spatial openness as a practical metric for evaluating built-up environments. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 30(1), 37-49.
- Gifford, R. (2007). The consequences of living in high-rise buildings. *Architectural science review*, 50(1), 2-17.
- Gustafson, P. (2001). Meaning of place: every day experience and Theoretical conceptualization, *Journal of Environmental Psychology*, 21(1), 5-16.
- Hall, S. (1992). The West and the rest: Discourse and power, in S. Hall and B. Gieben (Eds.), *Formations of Modernity*, Cambridge: Open University/Polity, 275-331.
- Ifuersen, J. (2003). Text, Discourse, Concept: Approaches to Textual Analysis. *Kontur*, 7, 60-69.
- Kaplan, R. & Kaplan, S. (1989). *Experience of Nature: A Psychological Perspective*. New York: Cambridge.
- Kristeva, J. (1980). The Bounded Text, *In Desire in Language: A Semiotic Approach to Literature and Art*, L. S. Roudiez (Ed.). Oxford: Basil Blackwell.
- Kress, G., & Van Leeuwen. T (2001). *Multimodal Discourse. The Modes and Media of Contemporary Communication*. London: Edward Arnold.
- Lo, S. M., Lam, K. C., Yuen, K. K., & Fang, Z. (2001). A pre-evacuation behavioural study for the people in a high-rise residential building under fire situations. *International Journal on Engineering Performance-Based Fire Codes*, 2(4), 143-152.
- Lotman, Y. M. (1990). *Universe of the Mind. A semiotic theory of culture*. London: IB Taurus.
- Lynch, K. (1960). *The image of the city*. Cambridge: MIT Press.
- Manzo, C. L. (2005). For Better or Worse: Exploring Multiple Dimensions of Place mening. *Journal of Environmental psychology*. 25(1), 67-86.
- Moustafa, A. A. (1988). *Architectural representation and Meaning: towards a theory of interpretation. Doctoral dissertation*, Massachusetts Institute of Technology.

- Nasar J. L. (1990). The Evaluative Image of the City, *Journal of the American Planning Association*, 56(1), 41-53.
- Parsaee, M., Parva, M., & Karimi, B. (2015). Space and place concepts analysis based on semiology approach in residential architecture. *HBRC journal*, 11(3), 368-383.
- Potter, J., & Wetherell, M. (1987). *Discourse and Social Psychology*. London: Sage
- Potter, J., Stringer, P., & Wetherell, M. (1984). *Social Texts and Context: Literature and Social Psychology*. London: Sage.
- Rahnama, M. R., & Heravi Torbati, M. H. (2014). Study of Physical-Spatial Effects of High-Rise Building. *American Journal of Engineering Research (AJER)*, 1, 23-24.
- Rapoport, A. (1982). *The meaning of the built environment anoverbal communication approach*. Arizona: University of Arizonapress.
- Tasheva, S. B. (2012). *Semiotics of Architectural Graphics*. PhD Thesis, Bulgarian Academy of Sciences, Insitute of Art Studies, Sofia.
- Tuan, Y-F. (2001). *Space and place: The Perspective of Experience*. Minneapolis: University of Minnesota press.
- Van Dijk, T. A. (2001). *18 Critical Discourse Analysis: The handbook of discourse analysis*. Minneapolis, MN: University of Amsterdam.
- Wetherell, M., & Potter, J. (1992). *Mapping the Language of Racism: Discourse and the Legitimation of Exploitation*. London and New York: Harvester Wheatsheaf and Columbia University Press.